

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

درویش وردک

۰۸ سپتمبر ۲۰۱۵

## مجلس شصت و دوم (در توحید)

### قسمت نهم

شیخ (رضی الله تعالی عنه) در ادامه فرمودند: خدای عزوجل فرموده است: «وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ» - (سوگند به آسمان و حوادث ناگهانی آن). خداوند عزوجل به آسمان و حوادث ناگهانی آن سوگند خورده است. یکی از حوادث شگفت عروج پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) است به آسمان، و بادیده باطن خدارامشاهده کردن، لذا هر که راقلی چنین صاف دست داد، دیدار حق برایش ممکن خواهد شد، و تمامی حجابها از پیش چشم قلبش برداشته میشود. سینه های صدیقین و راستان به انوار حق روشن است، اینست که رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) فرموده است: «اتَّقُوا فِرَاسَةَ الْمُؤْمِنِ، إِنَّهُ يَنْظُرُ بِنُورِ اللَّهِ» - (از فراس و هشیاری دل مومن بپرهیزید، زیرا مومن به نور خدایمیبیند). دل وقتی بمقام قرب رسید، ستارگان علم و خورشید معرفت در او طلوع میکنند، و روشنایی بخش عالم فرشتگان میگردد.

خدای متعال برای هر کسی حافظی معین کرده است، تا از ربایش شیطان نفس در امان باشد، «وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ» - (خدای از هر سوی بر آنان تسلط دارد. سوره البروج آیه ۲۰).

تودارای فصاحت و بلاغتی، اما خانه باطن خود را ویران کرده ای و بمانند شتر آسیاب گردان بدور خود میچرخ. شاید از سوی اولیاء الله مخاطب شده باشی، اما دیده باطنت نابیناست (و از اینجهت این خطاب برایت سودی در بر ندارد). تو حق خاوند راضی نموده ای، و خدائیز عنایت خویش را از تودریغ داشته است، آرزوهای دور درازی، ولی بال پرنده اراده ات را شکسته ای، بسان پاره گوشتی بر خاک افتاده باقی مانده ای، نیاز بدوستی داری که راهنمائی کند.

هر گاه انست بخلق باشد، باب انس به جن برویت باز میشود، اما هر وقت این باب رامسدود کردی، باب انس به فرشته برویت باز میشود، بدان که خاصیت اشیاء از خود آنها نیست، بلکه خواست و قضای الهی آنها را چنین صفاتی داده است، آتش بذات خود نمی سوزاند، آب بذات خود موجب رفع تشنگی نیست، آتش نمرود قادر به سوختن ابراهیم خلیل نبود، ابومسلم خولانی وقتی در آتش افکنده شد، سالم بدر آمد، و سمندر در آتش نمیسوزد.

هر گاه در عمل اخلاص داشتی، از رنج خلق خلاص خواهی شد، از میان آنان رهائی می یابی و بحق خواهی پیوست. و در طلب حق بمانند مردی که از هر سو بدنبال دوستش بگردد، خواهی بود، که در این هنگام دوست در او منگردد و با محبت در کنارش میگیرد، همانگونه که که یوسف علیه السلام به بنیامین برادرش گفت: «أَنَا أَخُوكَ».

خدای متعال زمین دل را جایگاه علم و معرفت قرار داده است. خدای راشبانه روز سیصد و شصت نگاه رحمت و عنایت بر بندگان است، و وقتی که قلب عبدشایستگی این الطاف ربانی را پیدا کرد، نهرهای حکمت جهت افاضه و افاده در آن جاری میشود، بزرگترین قلبی که باین موهبت عظمی نائل شد قلب محمد (صلی الله تعالی علیه و علی آله). است. و بدنبال

او قلوب صحابه، و سپس تابعین بود. تونیز در ظاهر و باطن، با قول و عمل به دستورات و فرامین حق گردن بنه، تا خداوند و رسول از تورا ضی باشند.

خوشا به حال آنکه از خدا و رسول تبعیت کرد، بارگان علاقه دنیا و خلق را از گردن فرو نهاد. اولیاء الله بمصالح خلق که آنان را بمانند فرزندان خود میدانند قیام میکنند، و هیچگاه بدنال تعلق خاطر پیدانمی کنند.

آگاه باش، آنچه راکه در اختیار داری، تنها متعلق بتو نیست، سهمی از آن مال همسایگان و درویشان است، و بدان آنچه در اختیار شخص قرار میگیرد، حساب و کتاب در پی دارد: «وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلِفِينَ فِيهِ، فَيَنْظُرُ كَيْفَ تَعْمَلُونَ»- (از آنچه که شمار ادر آن وارث گذشتگان گردانید انفاق کنید تا ببینید که چگونه عمل میکنید. سوره حدید. آیه ۷).

همسایگان را با خود برابر بدان، فقرار اطعام کن، بدان که خانه راستان و صدیقان بظاهر کم گنجایش ولی باطنا وسیع است.

کجاست آنکه باب خلق را بر خود بسته باشد و باب خالق را بگشاید؟ و نیاز مندیهای خود را از او بخواهد؟ از اسباب ظاهری ببر، و ارباب دنیوی را ترک کن، بعد بنگر تا چه میبینی؟ بر درگاه حق مقیم شو و بر آستانه صبر تکیه زن، بدان که قضا و قدر الهی قطعی است، خود را میازار و بر دبار باش، تا شگفتیها ببینی، بهنگام نیالاب از دعا ببند، که این حالت مردان حق است. راحت و آرامش، غنودن در دامن لطف حق است، و دوی تمام آلام رحمت یزدانی: «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَّرَّ إِذَا دَعَاهُ»- (کیست که جوابگوی پریشان حال باشد، بهنگامیکه او را بخواند (جز خدا؟) سوره نمل آیه ۶۲).

پریشانت میکند تا او را بخوانی، او الحاح و اصرار عبد را دوست دارد. تمام درها را بر روی می بندد، تا فقط بدرگاه او روی آوری. دوستان خدایاب قرب را باز دیده اند، مانند مادری مهربان که جهت تنبیه و بیدار نمودن فرزند بازیگوشش، در برابر روی او میبندد، و همسایگان را نیز سفارش میکند که در را برایش باز نکنند، لذا طفل گریان به هر جای روی می آورد، ناامید میگردد، پس نادم و پشیمان وزاری کنان بسوی درگاهک مادر مهربان روان میشود، خداوند مهربان نیز درهای-تمسک بخلق را- بروی بندگانش میبندد، تا بسوی باب لطف او بشتابند.

فقیر صادق باید خویشتن دار باشد، و باندازه کفایت کسب نماید. رغبت به دنیا و متعلقانش موجب تشویش خاطر است، صبر بر بلا و رنج موجب قربت است. هر که را خوف خدا نبود از عقل بدور است، و این بسان شهری است که از زمینها زراعتی ای که وسیله تغذیه اهالی آنست، بی بهره باشد، یا مانند گله ای است بدون چوپان، که طعمه گرگ خواهد شد. انسان خائف نمی تواند در جائی آرام و قرار گیرد، بلکه همواره در حال سفر است، و غایت سفر اولیاء الله مقام قرب حق است، راه پیمانیشان قلبی است و باطنی، و هرگاه به مقام قرب رسیدند باطن اذن دخول میطلبد، بدو اجازه داده میشود، پس از اینکه باطن مأنوس شد، قلب نیز مأذون میگردد، همانند قلب نبی اکرم (صلی الله علیه وسلم).

عبد در حال خلوت و جلوت در مقام جزومد است، هرگاه به قعر دریای محبت دست دراز کند، گورهای انس را بر دمی آورد، و اینچنین مخاطب قرار میگیرد: «ای بنده تو در روی زمین خلیفه خدائی».

ابراهیم ادهم (رحمت خدا بر او باد) دچار حیرت شد، دیدگان را بست، شنید که بدو میگویند: «ای ابراهیم بگوی، خدایم را به قضایت راضی گردان، و بر بلا یا صابر نما، و شاکر نعمتهایت گردان، از تو تمام نعمت و دوام عافیت و ثبات بر محبت را درخواست میکنم».

رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) طنین آواز پنهانی را در قلبش شنید، بکوه حرارفت، در آنجا غاری بود، در آن سکنی گزید، سفیدی مانند سفیدی صبح صادق بر او طلوع کرد، ندایش میکرد: یا محمد، یا محمد، از شنیدن صدا چار ترس و بیم شد، بخانه برگشت، گفت، مرابپوشانید، من صدائی را شنیده ام. بعد از مدتی صدای مجددا شنید که میگفت، یا محمد، کار با این خود پوشانیدن تمام نمیشود. و «وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَى أَمْرِهِ»- (خدا بر هر کاری که بخواهد غالب است. سوره یوسف آیه ۲۱).

مثال قلب مانند آن دانه ای است که وسط حیاط خانه ای کاشته باشند، که اطرافش را چهار دیوار فراگرفته است و فاقد سقف است، باران بر او نازل و آفتاب بر او بتابد، و کسی آنرا مشاهده نکند، اما وقتی ساقه کشیدور شد نمود و ثمر داد، آنگاه است که عظمت و شایستگی هویدا میگردد، پس هرگاه دانه عنایت حق در دلی کاشته شد، بزودی رشد میکند، و همگان از ثمرات و برکات آن بهره مند خواهند شد.

اولیاء الله درخواست از خدا را کاره‌ند، زیر از غلبه احتمالی حرص و آزیر خویش و اهما دارند. هرگاه کسی از دنیا کناره گرفت، بذل آن نیز برایش آسان میگردد. ابدال بمقام و منزلتی نمیرسند، مگر اینکه بار خور خلق را تحمل نمایند، و هرگاه به حمل رنج خلق تن دادند، خداوند متعال ان سنگینی را از دوششان بر میدارد.

شیخ (رضی الله تعالی عنه) در خصوص این گفتار حق «**إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ**» چنین فرمودند: آن پس از خواب است، اما خواب از خلق بدور شدن، خوا از هوای نفس و شهوات کناره گرفتند و قلب را طعام و شراب معنوی دادن، و بیاد خدا مشغول شدن و به قیام و رکوع و سجود پرداختن.

صدیقان آخرت رانیز شیرین ظاهری میدانند، و بدان دل بستگی نشان نمیدهند، آنچه که ایشان را بخود مشغول داشته است، لقای الله است و بس، اما تواضع دوری میگزینی، نمیدانم کی از مردم دور خواهی شد، و بحق خواهی پیوست. محبان صادق از بابی به باب دیگر، از شهری به شهری دیگر، و از آسمانی به آسمان دیگر، در تکاپویند، تا مقام انس را دریابند، و در پیشگاه حق جای گیرند، در نفس خویامت برپای میدارند، و نامه اعمال خویش را محاسبه میکنند، و همواره در حال خوف و رجائند، از سقوط در آتش قهر الهی بیمناکند، امیدوارند که عنایت حق با آب رحمت آتش آنرا خاموش نماید، و این خطاب دوزخ را بشنویید که آتش دوزخ میگوید: «**جُزِئَامُ مِنْ، فَقَدْ أَطْفَاءَ نُورَكَ لَهْبِي**» - (بگذار ای مومن که نور تو شراره آتشم را خاموش کرد). آنگاه مسافت سه هزار ساله راه را در لحظه ای پیموده و از آتش خواهند گذشت، و بدار قریب فرمانروای مطلق میرسند، و پس از این قیامت روحانی بهوش میابند، مشاهده میکنند که جز شوق و حب محبوب چیزی دیگری در دل ندارند، خواهند گفت: جز درگاه حق به جایی روی نمی آوریم. همینکه این مقام حاصل شد، بحکم ضرورت به دنیا برگشته و از قسمتهای خود که در علم ازلی خداوند است و غیر قابل تبدیل، بهره مند میشوند، و این شعار را در نظر دارند که: نفس خود را از دنیا خارج مکن، تا نصیب خدائی خود را استیفاء نماید، اما از خدا بترس و با آزر و حرص در طلب روزی مقسوم مباش، آنچه را که میطلبی از خدا بخواه نه از خلق.

مومن با قلب بسوی خدا رهسپار میشود، در راه به آفات و مصائب برخورد میکند، از گناهان و معاصی توبه مینماید، از اعمال خلاف شریعت کناره میگیرد، در اینحال باندامت و پشیمانی و سرزنش خویش طلب آمرزش میکند، خود را بخدا و امیدگذازد، و با جان و دل بدو تسلیم میشود، و آنگاه است که درگاه رحمت را بروی خود گشوده مینماید، «**وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا**» - (هر کس از خدا پرهیز داشت، او نیز راه نجات را برایش میگذارد. سوره طلاق آیه ۲). خدای بنده رامی آزماید تا برای خود و همگان معلوم شود که چگونه عمل میکند، «**وَبَلَّوْنَا هُمْ بِالْأَحْسَنَاتِ وَ السَّيِّئَاتِ**» - (آنرا با نیکوئی ها و بدیها آزمودیم. سوره اعراف آیه ۱۶۸).

قلب انسان را احساس خیر و شر، عزت و ذلت، فقر و غنی، فرامیگیرد، تا به نعمت الهی اعتراف نماید، و آن اعتراف عبارت است از شکر نعمت، صبر به هنگام بلا، و معترف شدن به ذنوب و جرایم، و این صفات است که بنده را قدم بقدم به باب ملک راهبری می نماید، و در آنجا چیزهائی رامی بیند که هیچ چشمی ندیده، هیچ گوشی نشنیده، و به قلب احدی نیز خطور نکرده است. دیگر زمان حسنات و سنیات به پایان میرسد، زمان مکالمه و مجالسه فرامیرسد. آیا توای شتر آسیاب گردان، اینها را درک میکنی؟! ای نادان تو در قیام و قعودی، اما در قلبت اخلاص وجود ندارد، برای دیگران نماز میگزاری، روزه میگیری، و چشمداشت داری. ای کسیکه از زمره نوع انسان خارج شده و از صف صدیقین کناره گرفته ای، آیا نمیدانی که من راهنما و دلسوزت هستم، به راه حق هدایتت میکنم و ناصحت مینمایم.؟ از این بیم دارم که

در حال ریا و کفر از جهان بروی، و در قبر به عقوبت منافقین گرفتار آئیش، پس هر چه زودتر بیا، و از آنچه که در آنی بدرآی، لباس مخالفت را از تن درآر، و لباس تقوی بپوش، بدان که بزودی با مرگ روبرو خواهی شد. من با تو دشمنی ندارم، بزودی آنچه را که بتو گفته ام بیاد خواهی آورد. چهره مرد صالح از درونش خبر میدهد، هر کس خدای را شناخت زبانش کند میشود، و گویائیش از خدا و اظهار نیازش بخداست.

مومن هرگاه دیدگان ظاهر را گشود، دیدگان قلبش بسته میشود، و تغئیرات و تبدیلات ظاهر را مشاهده میکند.

«ربنا آتنا فی الدنيا حسنة و فی الآخرة حسنة و قنا عذاب النار». آمین

ادامه دارد.....